

مکتی بريك جعل توطئه آميز!

در سال ۱۹۹۹ جلد دوم کتاب افغانستان در مسرتاريخ از چاپ برآمد و من پيرامون نکات مشخصی در آن کتاب نقدي نوشتم و در هفته نامه اميد(شماره های ۴۰۸ - ۴۱۰) به نشر سپردم. بعد کسی بنام نجيب سخی با نشر مقالتي ابتداءر هفته نام "اميد" وبعد در ماهنامه کاروان چاپ امريکا تلاش نموده بود با اتهام های دور از واقعيت سمت وسوی اصلی موضوع را از نقد بر تاريخ غبار تغيير بدهد و با برجسته ساختن اينکه: چون اعظم سيستاني عضو هيئت رئيسه شوراي انقلابي رژيم خلق و پرچم بوده است، پس: 1- عضو حزب حزب دموکراتيک خلق بوده و بايد "رفيق" خطاب شود.

2- دوست نزديک بيرک کارمل بوده ولی بعدها در مخالفت با او بنام مستعار "يوسفزی" مقاله ای برضد بيرک کارمل نوشته است و بعد از رفع خطر دوباره خود را سيستاني ناميد.

من پاسخ اتهامات نجيب سخی را در ماهنامه کاروان در شماره های ۷۹ و ۸۰ در همان زمان و بعد در رساله يک نگاه انتقادی بر دو جلد تاريخ غبار (چاپ ۲۰۰۰) داده ام.

آقای ستانيزی اکنون برای توجیه مخالفت خود با تجليل از استرداد استقلال افغانستان، ضمن پاسخی بمن در سايت آريانا افغانستان، از قول نجيب سخی مینويسد: «در مورد وظايف رسمی سيستاني، آقای فقير ودان در اعتراف نامه يی زیر عنوان «دشنه های سرخ» چنین می نویسد: «دانشمندي افغانی کانديد اکاډميسين «تعارفات بين پرچمی ها» در زمان رياست شوراي انقلابي بيرک کارمل، عضو هيئت رئيسه شوراي انقلابي جمهوری ديموکراتيک افغانستان بود. و در اين موقع از همکاران نزديک کارمل به شمار ميرفت. اما با احساس خطر، همچون کاغذ پاره يی در سمت و زش باد تغيير جهت داده و به شادمانی پرداخت و مقاله يی برضد دوست ديرينه اش يعني کارمل نوشت. اين بود که از طرف هم حزبی های سابق خود لقب پرچمی خط بينی کشيده رابدست آورد و حتی برای اينکه دست های آلوده بخون خود را از مردم مخفی نموده و آنرا سفيد جلوه دهد تخلص خود را به «يوسف زی» تغيير داد ولی بعد از رفع خطر مجدداً «سيستاني» تخلص کرد. »

آقای داکتر زمان ستانيزی بدون توجه به پاسخ من به نجيب سخی، همان تفاله های را نشخوار میکند که نجيب سخی در سال ۱۹۹۹ آنرا بر روی ماهنامه کاروان و هفته نام اميد افزا کرده بود. **جملاتی که با رنگ سرخ در عبارت فوق نشانی شده است، از زبان فقيرودان نویسنده کتاب "دشنه های سرخ" و مسئول تبليغ و ترويج کمیته مرکزی حزب دموکراتيک خلق جعل شده است.** فقيرودان هرگز چنین عبارتی را در مورد من بکار نبرده است. فقيرودان آدم بیسواد و جعل کاری چون نجيب سخی نیست. او در کتاب "دشنه های سرخ" (ص 219) در مورد من چنین نوشته است: «قابل تذکار است که که محترم سيستاني گرچه عضو حزب دموکراتيک خلق نبود، ولی عضو هيئت رئيسه شوراي انقلابي جمهوری افغانستان را تا انحلال آن داشت، و بنا بر آن با تمام افراد سطح رهبری حزبی و دولتی شناخت داشته و در عين حال شخص مطلع از جريانات کشور است.» آقای ودان در موارد متعدد از کتاب من (مقدمه يی بر کودتای ثور و پيامدهای آن) اقتباس نموده و از آن کتاب شاهد و مثال آورده تا باور خواننده را به آنچه مدعی شده برانگیزد.

درحالی که عضویت در یک حزب سیاسی را (خواه چپ و خواه راست) کدام عمل جرمی نمی پندارم، ولی من هیچگاهی عضو حزب دموکراتیک نبوده ام و نه دوست و شناسای ببرک کارمل بوده ام و نه هم برضد ببرک کارمل بنام "یوسفزی" مقاله نوشته ام. و نه هم کدام مجبوریتی داشته ام تا با تغییر نام کتاب بنویسم. این جعلیات زاده ذهن های بیمار و ترسوی اتهام نویسانی چون ستانیزی و نجیب سخی است. اگر چنین کتاب و مقاله ای از من بنام غیر از اسم اصلی و معروفم برضد رهبران حزب خلق و پرچم نوشته شده باشد، می باید نام و آدرس و محل چاپ و سال چاپ آنرا نشان میدادند ولی چون چنین چیزی وجود ندارد، پس معلوم است که جملاتی را از نام یک شخص مهم حزبی جعل کرده اند تا نشان بدهند که من چقدر آدم نزدیک به کارمل بوده ام، درحالی که کارمل حتی نام مرا نمی دانست و گاهی مرا بنام شهرستانی (عضو دیگر هیئت رئیسه) مخاطب ساخت.

ناگفته نباید گذاشت که من پس از مهاجرت به سویدن در سال ۱۹۹۶ کتاب "مقدمه یی بر کودتای ثورویپامدهای آن در افغانستان" را در ۴۲۰ صفحه با نام و نشان خود نوشته و در سویدن چاپ کرده ام. اگر آقای نجیب سخی کتاب مرا مقاله میخواند، کار اوست ولی مولف و نویسنده این کتاب کاندید اکادمیسین محمداظم سیستانی است نه "یوسفزی". این کتاب تا کنون چندبار از سوی نشرات افغانی در پشاور تجدید چاپ شده است.

پایان